



دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

عنوان

اثر بخشی آموزش فرزند پروری با رویکرد مثبت‌نگر بر خودکارآمدی
مادران و بهبود رابطه‌ی مادر _ کودک و مشکلات رفتاری کودکان

استاد راهنما

دکتر حمیدرضا آقا محمدیان شعرباف

استاد مشاور

دکتر سید محسن اصغری نکاح

نگارنده

سمانه طاهری‌نیا

تابستان ۹۱

چکیده

کیفیت فرزند پروری عامل عمده‌ای در رشد و تکامل کودکان می‌باشد که نامناسب بودن آن در کنار تعارضات خانوادگی و فقدان رابطه‌ی گرم و مثبت با والدین پیشگوی قوی برای ایجاد و باقی ماندن مشکلات رفتاری در کودکان محسوب می‌شود. همچنین خودکارآمدی مادر اشاره به باورها و تفاوت‌های یک مادر از توانمندی‌هایش جهت نظم‌دهی و اجرای یک سری از تکالیف مربوط به فرزند پروری دارد. این مطالعه با هدف اثر بخشی آموزش فرزند پروری مثبت‌نگر بر رابطه‌ی مادر و کودک، خودکارآمدی مادر و مشکلات رفتاری کودکان صورت گرفته است.

روش پژوهش شبه آزمایشی از نوع پیش آزمون- پیش آزمون با گروه کنترل است. نمونه پژوهش شامل ۲۰ نفر از مادران کودکان دروهِی پیش دبستانی مراجعه کننده به کلینیک سلامت کودک بودند، که به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. اعضا گروه آزمایش به مدت ۵ هفته، هر هفته ۲ جلسه و هر جلسه ۲ ساعت در جلسات برنامه‌ی آموزشی قرار گرفتند. این در حالی بود که گروه آزمایش هیچ گونه مداخله‌ای دریافت نکردند. ابزارهای گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه رابطه‌ی مادر و کودک، خودکارآمدی مادر و مشکلات رفتاری کودکان بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کوواریانس استفاده شد. یافته‌های حاصل از تحلیل کوواریانس نشان داد که میانگین نمرات در دو گروه بعد از برنامه‌ی آموزشی در زیر مقیاس پذیرش و خودکارآمدی مادر افزایش معنادار و در زیر مقیاس طرد کاهش معناداری نشان داد. اما در زیر مقیاس‌های حمایت و آزادی افراطی و مشکلات رفتاری تفاوت معناداری مشاهده نشد.

واژه‌های کلیدی: فرزند پروری مثبت‌نگر- رابطه مادر و کودک- خودکارآمدی- مشکلات رفتاری.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
I.....	چکیده
VI.....	فهرست جداول
VII.....	فهرست نمودارها
	فصل اول: کلیات
۲.....	۱-۱- مقدمه
۲.....	۲-۱- بیان مسئله
۴.....	۳-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق
۵.....	۴-۱- اهداف پژوهش
۵.....	۵-۱- فرضیه‌های پژوهش
۶.....	۶-۱- تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای پژوهش
۶.....	۱-۶-۱- تعاریف نظری
۷.....	۲-۶-۱- تعاریف عملیاتی
	فصل دوم: موضع‌گیری‌های نظری و یافته‌های پژوهشی در خصوص موضوع
۱۰.....	۱-۲- موضع‌گیری‌های نظری و یافته‌های پژوهشی در خصوص موضوع
۱۰.....	۱-۱-۲- موضع‌گیری‌های نظری در خصوص فرزندپروری
۱۰.....	۲-۱-۲- تاریخچه فرزندپروری
۱۱.....	۳-۱-۲- سبک‌های فرزند پروری
۱۵.....	۴-۱-۲- تنوع فرهنگی در فرزندپروری
۱۶.....	۵-۱-۲- آموزش فرزندپروری
۱۸.....	۱-۵-۱-۲- فرزندپروری مثبت‌نگر (Triple-p)

- ۲-۱-۵-۲- اهداف فرزندپروری مثبت ۱۹
- ۲-۱-۵-۳- کودکان مناسب برنامه‌ی فرزندپروری مثبت ۲۰
- ۲-۱-۵-۴- نتایج حاصل از فرزندپروری مثبت ۲۱
- ۲-۱-۵-۵- پیش‌بینی کننده‌های موفقیت و شکست فرزند پروری مثبت‌نگر ۲۲
- ۲-۲- موضع‌گیری‌های نظری در خصوص رابطه مادر و کودک ۲۴
- ۲-۲-۱- رابطه مادر و کودک ۲۴
- ۲-۲-۲- اجزاء رابطه‌ی مادر و کودک ۲۴
- ۲-۲-۲-۱- نظریه‌ی کردار شناختی دلبستگی ۲۵
- ۲-۲-۲-۲- ارزیابی ایمنی دلبستگی ۲۶
- ۲-۲-۳- اهمیت رابطه مادر و کودک ۲۷
- ۲-۲-۴- عوامل تاثیرگذار بر رابطه‌ی مادر کودک ۲۹
- ۲-۲-۴-۱- شرایط اقتصادی ۲۹
- ۲-۲-۴-۲- خصوصیات مادر ۲۹
- ۲-۲-۴-۳- خصوصیات کودک ۳۰
- ۳-۲- موضع‌گیری‌های نظری در خصوص خودکارآمدی مادر ۳۲
- ۳-۲-۱- خودکارآمدی ۳۲
- ۳-۲-۲- افزایش خود کارآمدی ۳۳
- ۳-۲-۳- رشد خود کارآمدی ۳۳
- ۳-۲-۴- خودکارآمدی مادر ۳۴
- ۳-۲-۴-۱- نقش خودکارآمدی مادر بر رابطه مادر و کودک ۳۶
- ۴-۲- موضع‌گیری‌های نظری در خصوص مشکلات رفتاری ۳۷
- ۴-۲-۱- مشکلات رفتاری ۳۷
- ۴-۲-۲- مشکلات رفتاری کودکان ۳۷
- ۴-۲-۴-۱- علل مشکلات رفتاری کودک ۳۸
- ۴-۲-۴-۲- شیوع مشکلات رفتاری کودکان ۴۱

- ۴۲.....۲-۴-۳- تاثیرات مشکلات رفتاری کودکان بر کنش‌وری آن‌ها
- ۴۳.....۲-۵-۵- یافته‌های پژوهشی در خصوص موضوع
- ۴۳.....۲-۵-۱- یافته‌های داخلی
- ۴۶.....۲-۵-۲- یافته‌های خارجی
- ۵۱.....۲-۶- نتیجه‌گیری

فصل سوم: روش پژوهش

- ۵۵.....۳-۱- روش پژوهش
- ۵۵.....۳-۲- جامعه‌ی آماری
- ۵۵.....۳-۳- نمونه و روش نمونه‌گیری
- ۵۶.....۳-۴- ابزار اندازه‌گیری پژوهش و بررسی اعتبار و روایی آن
- ۵۷.....۳-۵- روش جمع‌آوری داده‌ها
- ۵۸.....۳-۶- روش تحلیل داده‌ها

فصل چهارم: یافته‌های پژوهشی

- ۶۰.....۴-۱- بررسی جمعیت شناختی
- ۶۲.....۴-۲- بررسی توصیفی داده‌ها
- ۶۴.....۴-۳- بررسی استنباطی داده‌ها
- ۶۵.....۴-۳-۱- نتایج آزمون فرضیه‌های اصلی پژوهش
- ۶۵.....۴-۳-۱-۱- نتایج مربوط به فرضیه‌ی اصلی اول
- ۶۶.....۴-۳-۱-۲- نتایج مربوط به فرضیه‌ی اصلی دوم
- ۶۷.....۴-۳-۲- نتایج آزمون فرضیه‌های فرعی پژوهش
- ۶۷.....۴-۳-۲-۱- نتایج مربوط به فرضیه‌ی فرعی اول
- ۶۹.....۴-۳-۲-۲- نتایج به فرضیه فرعی دوم
- ۷۰.....۴-۳-۲-۳- نتایج مربوط به فرضیه‌ی فرعی سوم
- ۷۱.....۴-۳-۲-۴- نتایج مربوطه به فرضیه فرعی چهارم

۷۴	۱-۵- بحث و نتیجه‌گیری
۷۹	۲-۵- نتیجه‌گیری نهایی
۸۳	۳-۵- محدودیت‌های پژوهش
۸۳	۴-۵- پیشنهادات پژوهش
۸۶	منابع فارسی
۹۲	منابع انگلیسی
۹۹	پیوست ۱: برنامه‌ی آموزشی
۱۰۱	پیوست ۲: پرسشنامه‌ها

فهرست جداول

- جدول ۴-۱: وضعیت سنی مادران ۶۰
- جدول ۴-۲: توصیف تحصیلات مادران ۶۱
- جدول ۴-۳: وضعیت شغلی مادران ۶۱
- جدول ۴-۴: میانگین و انحراف معیار نمرات مولفه‌های رابطه‌ی مادر و کودک برای آزمودنی‌های دو گروه ۶۲
- جدول ۴-۵: میانگین و انحراف معیار نمرات خودکارآمدی آزمودنی‌های دو گروه ۶۳
- جدول ۴-۶: میانگین و انحراف معیار نمرات مشکلات رفتاری آزمودنی‌های دو گروه ۶۴
- جدول ۴-۷: نتایج تحلیل تأثیر Triple-p بر خودکارآمدی مادران ۶۵
- جدول ۴-۸: نتایج تحلیل تأثیر Triple-p بر مشکلات رفتاری کودکان ۶۶
- جدول ۴-۹: نتایج تحلیل تأثیر Triple-p بر پذیرش مادران ۶۸
- جدول ۴-۱۰: نتایج تأثیر Triple-p بر حمایت افراطی مادران ۶۹
- جدول ۴-۱۱: نتایج تحلیل تأثیر Triple-p بر آزادی افراطی مادران ۷۰
- جدول ۴-۱۲: نتایج تحلیل تأثیر Triple-p بر طرد مادران ۷۲

فهرست نمودارها

- نمودار ۴-۱: اثربخشی مداخله Triple-p بر خودکارآمدی مادران ۶۶
- نمودار ۴-۲: اثربخشی مداخله Triple-p بر مشکلات رفتاری کودکان ۶۷
- نمودار ۴-۳: اثربخشی مداخله Triple-p بر پذیرش مادران ۶۸
- نمودار ۴-۴: اثربخشی مداخله Triple-p بر حمایت افراطی مادران ۷۰
- نمودار ۴-۵: اثربخشی مداخله Triple-p بر آزادی افراطی مادران ۷۱
- نمودار ۴-۶: اثربخشی مداخله Triple-p بر طرد مادران ۷۲

فصل اول

کلیات

❖ مقدمه

❖ بیان مسئله

❖ ضرورت و اهمیت تحقیق

❖ اهداف پژوهش

❖ فرضیه‌های پژوهش

❖ تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای پژوهش

۱-۱- مقدمه

اهمیت دادن به موضوع رشد، پرورش و تربیت فرزندان در بین بسیاری از خانواده‌ها به چشم می‌خورد. اکثر پدر و مادرها به دنبال کسب اطلاعات علمی، تخصصی در زمینه‌ی چگونگی ارتباط با فرزندان خود هستند. برخی به دنبال کتاب و بعضی‌ها در جستجوی کلاس‌های فرزند پروری و عده‌ای نیز در پی برنامه‌های آموزشی رسانه‌های گروهی هستند تا بهترین راه برخورد با مشکلات و مسائل مربوط به کودکان را بدست آورند و آینده‌ای روشن برای فرزندان‌شان رقم بزنند اما به دلیل وجود خلاءهایی در آموزش‌های مذکور همه‌ی والدین توانایی دسترسی به این امکانات را ندارند. عدم اطلاع صحیح از این مهارت‌ها باعث ایجاد مشکلات رفتاری در کودکان می‌شود و این امر باعث کاهش اعتماد بنفس والدین در امور والدگری خواهد شد. بنابراین تاثیر مستقیمی بر روابط والدین و فرزندان و احساس خود کارآمدی والدین را شاهد خواهیم بود. عامل اصلی در این معضل عدم اطلاع و آگاهی والدین از مهارت‌های فرزند پروری است. آنها با دخالت‌ها و کمک‌های بی مورد و اشتباه خود به هنگام مواجهه‌ی فرزندان با مسائل مختلف از یک طرف و ناتوانی در "نه" گفتن و تعیین مرز برای آنها از طرف دیگر بنای این مشکل را پی‌ریزی می‌کنند.

۱-۲- بیان مسئله

بسیاری از والدین در زمان و فضای مشترکی با فرزندان‌شان به سر می‌برند ولی آنها را نمی‌شناسند و یا درک نمی‌کنند. تعهدات اقتصادی و اجتماعی سنگین باعث می‌شود والدین بصورت جمعی و هیجانی از فرزندان‌شان دور شوند و کودکان را در معرض فشار قرار می‌دهد چون والدین قادر نیستند نیازهای آنان را به برخورداری شدن از پرورش هیجانی برآورده سازند. هراس آور و مایوس کننده است که بسیاری از نیازهای هیجانی فرزندان‌شان بی‌اطلاع‌اند و فاقد مهارت لازم برای تعامل کارآمد با فرزندان‌شان در سطح

هیجانی هستند. پدر و مادر شدن فراتر از یک پدیده‌ی زیستی است و آنها باید بدانند که برای برقرار شدن ارتباط لازم چگونه باید به شیوه‌های تسهیل‌گرانه پاسخ دهند (لندرت^۱، ۱۳۹۰).

تحقیقات در زمینه‌ی رشد کودک، اشاره به تاثیر تعاملی والدین و رفتارهای کودک و تاثیرات متقابل رفتاری دارد (مک لم^۲، ۲۰۰۷).

محیط عاطفی که والدین در سال‌های اولیه زندگی کودک فراهم می‌آورند در رشد تنظیم هیجان و شایستگی کودک در تعاملات اجتماعی بسیار مهم است. در طول زمان این تجارب هیجانی بخشی از خزانه‌ی هیجانی و سبک عاطفی کودک می‌شود. گستردگی و انعطاف‌پذیری به همراه توانایی به کارگیری هیجان به منظور رسیدن به هدف در بافت‌های مختلف فعالیت کودک، بهترین توصیف‌کننده‌های واکنش هیجانی سالم هستند (دیاموند^۳ و اوزپنیوال^۴، ۲۰۰۳؛ مک لم، ۲۰۰۷).

ماهیت ارتباط مادر- فرزند در سلامت کودکان در حال و آینده مهم‌ترین نقش را دارد. پس روشن است اگر می‌خواهیم بر سلامت روان جمعیت بزرگسالان آینده تاثیر مثبتی بگذاریم باید برای ارتقاء سلامت روان تمامی کودکان نه صرفاً آنهايي که به کمک حرفه‌ای نیاز دارند تلاش‌های بیشتری صورت دهیم. هر گاه در ارتباط والد- فرزندى مشکلى پیش بیاید و اوضاع رو به راه نباشد، والدین خود را سرزنش می‌کنند و کفایت خود را به عنوان والد مورد تردید قرار می‌دهند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که احساس کارایی در والدین بر تمامی ابعاد تحول کودکان اثر عمیقی بر جای می‌گذارد. پویایی ارتباط میان والد- فرزند به یقین بر تحول کودکان اثر می‌گذارد و عامل عمده‌ای در این ارتباط- نگرش پدر یا مادر در مورد خود و درک خود به لحاظ خواستگاه کنترل در پدر یا مادر بودن است (لندرت، ۱۳۹۰).

اساس روش جدید برقراری ارتباط با کودکان را دو چیز تشکیل می‌دهد: احترام و مهارت: این روش جدید مستلزم اینست که الف) پیام‌ها نباید به حس احترام کودک لطمه‌ای وارد سازد. همان گونه که به حس

¹ . Landreth

² . Macklam

³ . Diamond

⁴ . Ozpenivall

احترام والدین نباید لطمه بزند ب) ابتدا بایستی تفاهمی متقابل بین والدین و کودک ایجاد شود و فقط پس از این تفاهم است که پند و اندرز و راهنمایی و آموزش مطرح می‌شود (گینات^۱، ۱۳۶۸).

برنامه‌های آموزش والدین، حاوی مطالبی پیرامون نیازهای کودک، رابطه‌ی همتای والد- کودک، بررسی ویژگی‌های ساختار خانواده و ماهیت مشکل حاضر است. تمامی این مداخله‌ها والدین را در فرایندهای درمانی درگیر می‌سازد (براسول^۲، ۱۹۹۱؛ خدابخشی کولایی، ۱۳۸۶).

والدین در یادگرفتن مهارت‌هایی که به ارتباط والد- فرزند مثبت می‌انجامد به کمک نیاز دارند. این فرض نادرست است که بیشتر والدین این مهارت‌ها را می‌شناسد و می‌دانند آنها را چگونه به کار ببرند. زیرا در جامعه‌ی ما تلاش اندکی به عمل آمده تا چگونگی تعامل با فرزندان به صورت‌هایی کارآمد به والدین آموزش داده شود.

از آنجا که تابحال فعالیت‌های کمی به صورت تخصصی روی آموزش مهارت‌های فرزندپروری به والدین شده در اینکه این مهارت‌ها تا چه اندازه می‌تواند راهگشای مشکلات والدین با فرزندانشان باشد، جای سوال دارد. باید دید که این مهارت‌ها تا چه اندازه می‌توانند بر احساس شایستگی مادران در فعالیت فرزندپروری و روابط آن‌ها با کودکانشان موثر باشند.

۳-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق

همه‌ی والدین خواستار خوشبختی و رفاه و امنیت کودکانشان هستند. هیچکس عمداً کودکش را ترسو، کمرو، سهل انگار یا بی‌نزاکت بار نمی‌آورد. با این حال، بسیاری از کودکان در مرحله‌ی رشدشان خصوصیات نامطلوب کسب می‌کنند و از داشتن احساس اطمینان و امنیت باز می‌مانند و نمی‌توانند برای خودشان و برای دیگران احترامی قائل شوند. ما می‌خواهیم کودکان مودب باشند اما آنها بی‌ادب می‌شوند؛ می‌خواهیم مرتب و پاکیزه باشند، اما درهم و برهم و شلخته می‌شوند؛ می‌خواهیم اعتماد به نفس داشته باشند، اما نامطمئن بار می‌آیند؛ می‌خواهیم شاد و خرم باشند اما می‌بینیم نیستند.

^۱. Ginat

^۲. Brasoul

۱-۴- اهداف پژوهش

هدف از آموزش فرزندپروری کمک به والدین است تا اهدافی را که در مورد کودکانشان دارند بشناسند و روش‌هایی برای جامه عمل پوشاندن به این اهداف بدست آورند، والدین با مشکلات معینی روبرو می‌شوند که برای از میان برداشتن این مشکلات راه‌ها و روش‌های ویژه‌ای وجود دارد؛ پند و اندرزهای پیش پا افتاده و قدیمی هیچ کمکی به والدین نمی‌کنند. پند و اندرزهایی همچون: «بچه‌ات را بیشتر دوست داشته باش»، «بیشتر به او توجه نشان بده» و «فرصت بیشتری به او بده».

اهداف فرزندپروری عبارتست از تقویت و تحکیم ارتباط میان والد و فرزند از طریق کمک به والدین در الف) درک و پذیرش فرزندان خود ب) حساس شدن به احساسات فرزندان خود ج) آموختن ترغیب به هدایت خود، مسئولیت شخصی و اتکا به خود فرزندان د) پیدا کردن بینش درباره خود در ارتباط خویش با فرزندان ه) تغییر تصور از فرزندان خود

۱-۵- فرضیه‌های پژوهش

۱-۵-۱- فرضیه‌های اصلی پژوهش

- آموزش گروهی فرزندپروری مثبت نگر باعث بهبود خودکارآمدی مادر در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل می‌شود.

- آموزش گروهی فرزندپروری مثبت‌نگر باعث کاهش مشکلات رفتاری کودکان در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل می‌شود.

۱-۵-۲- فرضیه‌های فرعی پژوهش

آموزش گروهی فرزندپروری مثبت‌نگر در پذیرش مادران گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل تفاوت معناداری را ایجاد می‌کند.

آموزش گروهی فرزندپروری مثبت‌نگر در حمایت افراطی مادران گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل تفاوت معناداری را ایجاد می‌کند.

آموزش گروهی فرزندپروری مثبت‌نگر در آزادی افراطی مادران گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل تفاوت معناداری را ایجاد می‌کند.

آموزش گروهی فرزندپروری مثبت‌نگر در طرد مادران گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل تفاوت معناداری را ایجاد می‌کند.

۱-۶- تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای پژوهش

۱-۶-۱ تعاریف نظری

متغیر مستقل: متغیری که به آن متغیر محرک، درون داد یا عامل نیز گفته می‌شود. متغیری است که بوسیله‌ی پژوهشگر دست کاری یا اندازه‌گیری می‌شود تا رابطه‌ی آن با متغیر دیگر تعیین شود.

متغیر مستقل: فرزند پروری مثبت‌نگر (Triple-p)

فرزند پروری مثبت‌نگر که به اختصار Triple-p^۱ نامیده می‌شود یکی از مداخلات رفتاری در خانواده است که به شکل جامع در چند سطح و با رویکردی پیشگیرانه طراحی شده است. این برنامه که توسط ساندرز- روانشناس استرالیایی و همکاران در دانشگاه کوئینزلند استرالیا معرفی شده. روش‌های مثبت و غیرتهاجمی جهت مدیریت رفتار کودکان و نوجوانان پیشنهاد می‌کند که می‌تواند جانشین رفتارهای نامناسب والدین با فرزندانشان شود (ترمز^۲ و ساندرز^۳، ۲۰۰۶).

متغیر وابسته: که از آن به متغیر پاسخ یا بردن داد نیز تعبیر می‌شود. متغیری است که تحت تاثیر متغیر مستقل قرار گرفته و به منظور تعیین اثر متغیر مستقل مشاهده اندازه‌گیری می‌شود.

متغیر وابسته: رابطه مادر و کودک

^۱ Positive parenting program

^۲ Turner

^۳ Sanders

ارتباط دارای ماهیتی التقاطی است. برای برقراری ارتباط میان فردی هر شخص باید الگوهای رفتار قابل مشاهده‌ی وابسته به الگوهای نوعی و بنیادین سایرین را متاثر سازد. در مطالعه‌ی رفتار تعاملی مادر و کودک توجه محققان مستقیماً به تاثیر در جنبه‌های قابل مشاهده معطوف می‌سازد. (استافورد، ۱۳۷۷). کاپلا به نقل از (استافورد، ۱۳۷۷) از کاوش در زمینه ماهیت تاثیر دو جنبه و رفتار آشکار به عنوان مسائل ثانویه^۱ یاد می‌کند. این مسائل با تکیه بر الگوهای تعاملی افراد، قلب ارتباطات میان فردی محسوب می‌شوند. ارتباط تعاملی الزاماً شامل پدیده‌هایی فراتر از رفتار قابل مشاهده می‌شود. کاملاً از مسایل اولیه^۲ به عنوان عوامل موثر در فرآیندهای رمزگذاری و رمزگشایی یاد می‌کند. باورها یکی از نمونه‌های مسائل اولیه‌اند. باورها انتظارات و برداشتهای والدین از کودک بر تعامل آنها تاثیر می‌گذارد. این امر در مورد باورهای کودک نیز صادق است.

متغیر وابسته: خودکارآمدی مادر

چگونگی احساس مادر درباره خود حس کارآمدی خویش به منزله‌ی یک شخص به عنوان مادر، بر تعاملات او با فرزندانش در نتیجه بر تحول فرزندان تاثیر شگرفی می‌گذارد. هر گاه در ارتباط مادر – فرزندی مشکلی پیش بیاید و اوضاع روبه راه نباشد، مادر، خود را سرزنش می‌کند و کفایت خود را به عنوان مادر در مورد تردید قرار می‌دهند. (لندرث، ۱۹۳۷).

متغیر وابسته: مشکلات رفتاری

مشکلات رفتاری به رفتاری اطلاق می‌شود که از نظر «شدت»، «فراوانی» و «تداوم» با دیگر رفتارهای همسان متفاوت باشد، به شرطی که با رشد فرد ناهمخوان باشد و ادامه‌ی آن در آینده بهزیستی فرد را به مخاطره بیندازد (لطفی کاشانی، وزیری، ۱۳۸۵).

۱-۶-۲- تعاریف عملیاتی

متغیر مستقل: فرزند پروری مثبت‌نگر

¹ Second- order questions

² First- order questions

در پژوهش حاضر آموزش فرزندپروری مثبت به صورت گروهی برای مادران انجام می‌شود. مادران طی ۱۰ جلسه‌ی ۲ ساعته به مدت ۵ هفته تحت آموزش قرار می‌گیرند.

متغیر وابسته: رابطه‌ی مادر و کودک با پرسشنامه‌ی The Mother- child Relationship profile مورد سنجش قرار می‌گیرد.

متغیر وابسته: خود کارآمدی مادر با پرسشنامه خود کارآمدی مادر ارزیابی می‌شود. این آزمون حس کلی والدین از اطمینان را در نقش والد، توانایی حل تعارضات والد- کودک و مقاومت والد ارزیابی می‌کند.

متغیر وابسته: مشکلات رفتاری توسط پرسشنامه‌ی مشکلات رفتاری را سنجیده می‌شود. این پرسشنامه جهت تمایز گذاشتن بین کودکان بهنجار و کودکان دارای مشکلات رفتاری تنظیم شده است.

فصل دوم

موضوع‌گیری‌های نظری و یافته‌های پژوهشی در

خصوص موضوع

- ❖ موضوع‌گیری‌های مرتبط در خصوص فرزندپروری
- ❖ موضوع‌گیری‌های نظری در خصوص رابطه مادر و کودک
- ❖ موضوع‌گیری‌های نظری در خصوص خودکارآمدی
- ❖ موضوع‌گیری‌های نظری در خصوص مشکلات رفتاری
- ❖ یافته‌های پژوهشی در خصوص موضوع
- ❖ نتیجه‌گیری

۲-۱- موضع‌گیری‌های نظری و یافته‌های پژوهشی در خصوص موضوع

۲-۱-۱- موضع‌گیری‌های نظری در خصوص فرزندپروری

فرزند پروری فعالیتی است پیچیده و در برگزیده رفتارهای خاصی است که به طور مجزا و یا با هم رفتارهای کودک را تحت تاثیر قرار می‌دهند. سبک‌های فرزند پروری والدین با بعضی از رفتارها در سنین بزرگسالی رابطه نشان داده است. از قبیل اعتماد به نفس کودک، قضاوت اخلاقی، شایستگی شناختی و اجتماعی و استقلال (الدر، ۱۳۶۳؛ بامریند، ۱۹۹۷؛^۲ بایس^۳ و آلن^۴، ۱۹۹۳؛ لمبورن و همکاران،^۵ ۱۹۹۱؛ استینبرگ و همکاران^۶، ۱۹۹۲؛ کلین^۷، ابریان^۸ و هپکنیس^۹، ۱۹۹۶).

۲-۱-۲- تاریخچه فرزندپروری

شیوه‌ی فرزند پروری والدین یکی از سازه‌های جهانی است که بیانگر روابط عاطفی و نحوه‌ی ارتباط کلی والدین با فرزندان است. در هر دوره به نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی رایج. شیوه تربیتی خاص نسبت به کودکان اعمال شده است. در سه دهه‌ی نخست قرن ۲۰ در آمریکا روش‌های فرزندپروری خشک و خشن بودند در آن زمان به والدین توصیه می‌شد که با آغوش گرفتن کودک در حال گریه او را لوس نکنند، طبق برنامه‌ی ثابتی به او غذا بدهند و آداب توالی رفتن را از همان سال اول زندگی به او آموزش دهند. (احمدی، ۱۳۸۹؛ امیر، ۱۳۹۱).

در دهه‌ی ۱۳۴۰ روند شیوه‌های فرزند پروری در جهت سهل‌گیری و انعطاف بیشتر دگرگون شد. در این دهه نظریه فرزند پروری زیر نفوذ مکتب روانکاری قرار گرفت، مکتبی که در آن بر امنیت عاطفی کودک و زیان‌های ناشی از کنترل شدید تکانه‌های طبیعی کودک و تاخیر محدودیت‌های سنین پایین‌تر بر

¹ Elder

² Bamrind

³ Bays

⁴ Alen

⁵ Lemborh

⁶ Ashtinbevg

⁷ Klein

⁸ O Bryant

⁹ Hopkins

رفتارهای بعدی کودک تاکید داشت. در سال ۱۹۴۰ نفوذ مکتب روانکاوی فروید، شیوه‌های تربیتی براساس نظریات بنیامین اسپاک خود که معتقد است والدین باید از شم طبیعی خود پیروی کنند و از برنامه‌های انعطاف‌پذیری که هم با نیازهای خود آنان و هم با نیازهای کودک سازگاری دارد پیروی می‌کنند. این نگرش‌های آزادانه در مورد تربیت کودک که در سال ۱۹۴۰ پدیدار شده با تاثیر مداوم مریان چون جان دیویی و نوشته‌های فرلو، را جزر محرک بیشتری یافت (هترینگتون^۱ و پارک^۲، ۱۳۷۲)، پترسون^۳ از اولین پیشگامانی بود که به آموزش والدین بیشتر جهت بالینی داد و به طور اخص به درمان با استفاده از الگوی غیر تحلیلی یادگیری اجتماعی که به منظور خاموش سازی رفتار نامطلوب فرزندان اجرا می‌شد بسیار موثر عمل کرده است (خوئی فر، محب راد، ۱۳۸۶).

۲-۱-۳- سبک‌های فرزند پروری

پژوهش‌های متمرکز به عوامل والدینی، عموماً فرزند پروری را هم در پرتو سبک‌های فرزند پروری جهانی برای مثال مقتدر، مستبد و سهل‌گیری) و هم رفتارهای خاص والدین (مانند شیوه‌های برقراری منظم) مفهوم سازی نموده‌اند. بیشتر پژوهش‌های این حوزه براساس سازه‌های فرزند پروری معرفی شده توسط بامریند انجام شد است. بامریند سه سبک فرزند پروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه را با در نظر گرفتن کنترل و صمیمیت والدینی ارائه کرده است (برک^۴، ۱۳۸۵).

پژوهش‌های انجام شده بر این سه سبک نشان داده است که این سبک‌ها ممکن است پیامدهای مثبت و یا منفی را در کودکان افزایش یا کاهش دهند (دایز^۵، ۲۰۰۵).

فرزند پروری مستبدانه

فرزند پروری مستبدانه با مهارگیری شدید، سطوح بالای جدیت. انضباط بی‌ثبات و سخت‌گیرانه و سطوح نسبتاً پایینی از صمیمیت عاطفی مشخص می‌گردد. این سبک با پیامدهای رفتاری منفی مانند

¹ Hatrington

² Park

³ Petterson

⁴ Ber

⁵ Daiz

اختلال‌های برونی سازی شده و درون سازی شده و سطوح پایین‌تر کنش ورودی هیجانی ارتباط دارد (دایز، ۲۰۰۵).

والدینی که از سبک مستبدانه استفاده می‌کنند متوقع هستند و برای پیروی کردن ارزش زیادی قائلند. «همان کاری که گفتیم انجام بده!» نگرش این والدین است. در نتیجه چون انتظار اطاعت بی‌چون و چرای دستورات را از جانب فرزندانش دارند کمتر به گفتگو می‌پردازند. اگر کودک اطاعت نکند والدین مستبد به فشار و تنبیه متوسل می‌شوند (برک، ۱۳۸۵).

بامرید دریافت که کودکان پیش دبستانی دارای والدین مستبد، مضطرب، گوشه‌گیر و ناخشنود بودند. وقتی که آن‌ها با همسالانشان تعامل می‌کردند. در صورت ناکامی با خصومت واکنش نشان می‌دادند. (بامرید، ۱۹۶۷؛ برک، ۱۳۸۵).

فرزند پروری مقتدرانه

مناسب‌ترین روش فرزند پروری است. فرزند پروری مقتدرانه با ترکیبی از مهارگیری، حمایت عاطفی بالا، سطوح مناسبی از استقلال و ارتباطات دو سویه میان کودک و والد مشخص می‌گردد. والدین مقتدر درخواست‌های معتدل و پخته همراه با تعیین محدودیت و اسرار بر تبعیت کودک دارند. آن‌ها با صمیمیت، محبت و صبورانه به نقطه نظرهای فرزندانشان گوش می‌دهند و مشارکت در تصمیم‌گیری خانوادگی را ترغیب می‌کنند (برک، ۱۳۸۵).

این سبک با پیامدهای تحولی مثبت همچون پیشرفت تحصیلی بالاتر، اتکا به خود بیشتر، انحرافات رفتاری کمتر در روابط بهتر با همسالان مرتبط است (استیسن^۱ برگ و همکاران، ۲۰۰۵؛ قنبری، ناد علی، سعید موسوی، ۱۳۸۸).

فرزندپروری سهل‌گیرانه

والدین سهل‌گیر، مهروز و پذیرا هستند ولی متوقع نیستند و از هر گونه اعمال کنترل خودداری می‌کنند. آن‌ها اجازه می‌دهند فرزندان در هر سنی که هستند خودشان تصمیم بگیرند در حالیکه هنوز اصلاً قادر به

^۱ Stinbery